

۵۷ کشور در جشنواره گرافیک رضوی

مسعود نجابتی، دبیر هشتمین جشنواره ملی گرافیک رضوی گفت: برگزاری جشنواره گرافیک رضوی به دلیل کارگاه‌هایی که پیش‌بینی کرده بودیم، با تأخیر مواجهه و تمدید شد. این جشنواره در چهار رشته برگزار می‌شود، رشته پوستر مانند دوره‌های قبلی جزو رشته‌های این جشنواره است اما امسال سه رشته را نیز اضافه کردیم که شامل پرچم و کتیبه، تصویرسازی و کاریکاتور است. کاریکاتور در سطح بین‌المللی با موضوع مهربانی برگزار می‌شود که تاکنون از ۵۷ کشور برای آن اثر

ارسال شده است. وی بیان کرد: هنوز زمان اختتامیه مشخص نیست، منتظر هستیم دآوری انجام شود که احتمالاً بعد از اتمام مهلت ارسال آثار، ظرف یکی دو روز انجام می‌شود. تلاش می‌کنیم تا میلاد امام رضا(ع) اختتامیه را برگزار کنیم، برگزیدگان نهایی نیز روز میلاد تقدیر می‌شوند. دبیر هشتمین جشنواره ملی گرافیک رضوی گفت: به این دلیل که مانع‌آش کردیم این دوره با گسترش کارگاه‌ها در حد کشوری و نه استانی برگزار شود، از اکثر استان‌ها در این کارگاه‌ها شرکت کردند. در

این کارگاه‌ها علاوه بر توزیع فراخوان که جامعه هنری را درگیر می‌کند، افرادی نیز تحت نظارت اساتید مختلف کار انجام می‌دهند، آموزش می‌بینند و برای انجام کارهای حرفه‌ای‌تر و بهتر در آینده تشویق می‌شوند. وی با اشاره به این‌که جشنواره‌هایی از مهم‌ترین رویدادها و اتفاقات هنری هر کشوری هستند، تصریح کرد: هر کشوری مهم‌ترین مسائل خود را در جشنواره‌ها با فراخوان یا رویداد برگزار می‌کند که ما امسال هردو مورد را داشتیم.



در گفت‌وگوی «جام‌جم» با پوریایورشرخ عنوان شد

عذرخواهی از قهرمانان خرمشهر

سوم خرداد ۹۵ و به مناسبت آزادسازی خرمشهر، گفت‌وگوی ویژه‌ای با پوریا پورسرخ بازیگر نقش رضا در فیلم موفق «روز سوم» داشتیم که برای خاطره‌بازی آن را مرور می‌کنیم. پوریا پورسرخ که برای بازی در این نقش نامزد دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد بیست و پنجمین جشنواره فیلم فجر هم شد، در پاسخ به این‌که چه حس و حالی دارد که مردم هنوز او را با رضای روز سوم به یاد می‌آورند، گفت: «یادم می‌آید پس از بازی در «روز سوم» نقش رضا را بهترین نقش کارنامه خودم می‌دانستم و همیشه در مصاحبه‌ها به آن اشاره می‌کردم. متأسفانه با خوشختانه‌اش را نمی‌دانم، اما این حس تا امروز ادامه دارد و هیچ نقشی را به اندازه این نقش دوست ندارم و بعید هم می‌دانم هیچ نقشی بتواند جای رضای روز سوم را در قلب من بگیرد. جالب اینجاست بسیاری از مردمی که مراد خیابانی می‌بینند هم همین حس را دارند و هنوز و پس از این همه سال درباره این نقش با من صحبت می‌کنند، واقعاً نقش رضا حس خیلی خوبی به من می‌داد و از این بابت خوشحالم.»

پورسرخ درباره این که آیا موقع بازی در «روز سوم» به موفقیت نقش و فیلم ایمان داشت، گفت: «اگر حمل بر غرور و خودستایی نباشد به عنوان یکی از اعضای گروه وقتی می‌دیدم که چه انرژی‌ای برای ساخت این فیلم گذاشته می‌شود، انتظار موفقیت فیلم را داشتم و مطمئن بودم نمره قبولی را نزد مردم می‌گیرد که خدا را شکر این اتفاق هم افتاد.»

این بازیگر ضمن اشاره به این‌که لوکیشن فیلم روز سوم شهرهای خرمشهر و آبادان بود، گفت: «پس از بازی در این فیلم، بارها به خرمشهر برگشتم. آخرین بار هم برای بازی در سریال «کیما» به خرمشهر برگشتم. جالب اینجاست اولین کاری هم که بلافاصله پس از نشستن پرواز انجام دادم، این بود که چمدانم را داخل هتل گذاشتم و بدون این‌که حتی دوش بگیرم، مستقیم به کوی بهروز، یکی از لوکیشن‌های اصلی «روز سوم» رفتم. آنجا برابم حکم یک میعادگاه را داشت. حس خیلی جالبی داشتم و اتفاقاً عکسی هم گرفتم و در صفحه اینستاگرام گذاشتم.»

او در پاسخ به این سوال که آیا وقتی به آنجا برگشتید خرمشهر از لحاظ آبادانی و سازه‌نگی پیشرفت‌ی کرده بود، جواب داد: «راستش همان حرف‌هایی که سال ساخت «روز سوم» درباره وضعیت خرمشهر زدم را می‌توانم امروز دوباره تکرار کنم و عملاً هیچ اتفاق مثبتی برای این شهر نیفتاده است. همیشه هم همین روزها همه می‌گویند چقدر خوب است که به مردم این منطقه برسیم و همه اظهار تأسف می‌کنند که چرا وضع مردمی که نفت کشور را تأمین می‌کنند، باید این‌طور باشد، اما بعد از این روزها همه چیز همان‌طور به وضع سابق باقی می‌ماند. درواقع الان نه‌تنها وضع مردم بهتر نشده، بلکه مشکلات دیگری ملر کرده و خاک و آلودگی هوا هم به آن اضافه شده است. به عبارت دیگر تنها تغییر خرمشهر این روزها با سال‌های گذشته این است که کم‌محلی و بی‌اعتنایی مسئولان به آن بیشتر شده است.»

پورسرخ درباره این که چرا سینما اعتنای چندانی به خرمشهر و مقاومت مردم این خطه در سال‌های جنگ و حماسه آزادسازی نمی‌کند هم گفت: «فکر کنم آدم‌های صاحب‌نظرت‌ری از من هستند که درباره حوزه فرهنگی نظر بدهند، با این حال به نظرم کم و بیش کارهایی در این مورد ساخته می‌شود. اما معتقدم مشکل آدم‌هایی که از جنگ لطمه خورده‌اند، سینما و این مساله نیست که چه فیلم‌هایی درباره آنها ساخته می‌شود، بلکه آنها نیاز به امنیت و آسایش اجتماعی دارند و باید جانبازان و خانواده‌های عزیز شهدا و یاقیمانده از جنگ، مورد توجه و حمایت قرار گیرند.»

این بازیگر در پایان مصاحبه هم جملاتی را خطاب به امثال رضا (در روز سوم) می‌گوید که آسایش و امنیت امروزمان را مدیون آنها هستیم: «به نوبه خودم از آنها عذر می‌خواهم که از عزیزترین چیزشان که جانشان بود برای نجات آب و خاک‌شان گذشتند، اما ما از چرک کف دست که پول باشد، نمی‌گذریم و به لحاظ مالی هم هیچ کمکی به آبادان، خرمشهر و دیگر مناطق جنگی نمی‌کنیم.»



روایت‌های دیگر از اشغال و مقاومت

به جز فیلم‌هایی که در گزارش ذکر آنها رفت، آثار سینمایی معدودی هم که سراغ موضوع خرمشهر رفته‌اند، چشم‌شان را بر روز سوم خرداد و حماسه آزادسازی این شهر بستند و ترجیح دادند روی مقاومت مردمی در روزهای محاصره و اشغال و منتهی به سقوط متمرکز شوند. از جمله این فیلم‌ها «سفر سرخ» است که ماجراجویی در روز سقوط خرمشهر رخ می‌دهد و داستان رویارویی مردم درحال خروج از شهر با نیروهای ارتش عراق را روایت می‌کند.

در فیلم «کودک و فرشته» به کارگردانی مسعود نقاش‌زاده هم که با موضوع مقاومت مردمی خرمشهر و با تمرکز روی دو شخصیت کودک و نوجوان به عنوان قهرمانان قصه روایت می‌شود، به روزهای اشغال خرمشهر می‌پردازد و فیلم با شهادت کودک به پایان می‌رسد. باز هم امیدی اگر هست خارج از جهان قصه است و مخاطب باید با آگاهی از واقعه تاریخی سوم خرداد، پایان خوش خودش را در ذهن رقم بزند. فیلم «بزرگمرد کوچک» به کارگردانی صادق صادقی‌دقیقی به زندگی نوجوان شهید خرمشهری به نام محمدی می‌پردازد، قصه دل‌آوری‌های این شخصیت در روزهای محاصره و اشغال خرمشهر را روایت می‌کند و البته طبق تاریخ و زمان زندگی و شهادت محمدی، گذرش به فتح خرمشهر و حماسه آزادسازی این شهر نمی‌افتد.

در خلال فیلم ۲۳ نفر ساخته مهدی جعفری هم که با محوریت اسارت ۲۳ نوجوان رزمنده ایرانی در جریان جنگ ایران و عراق و در سال ۶۱ می‌پردازد، اشاره‌ای هم به بحث آزادسازی خرمشهر می‌شود اما این موضوع در روایت و فضای اصلی قصه، محوری و تعیین‌کننده نیست و نمی‌توان به عنوان نمونه‌ای شاخص از حماسه خرمشهر روی آن حساب ویژه‌ای باز کرد.



روشنایی چراغ اول خرمشهر در سینما

شهادت قهرمانان، احتمال سقوط آن تقویت می‌شود. البته عنوان فیلم و اطلاعاتی که مرتضی در نفوذ به مواضع دشمن تهیه کرده، کورسوی امیدی برای روشنایی روز پیروزی در آینده (خارج از جهان فیلم) باقی می‌گذارد. همین‌طور آن نوشته قبل از تیتراژ اول مبنی بر «تقدیم (فیلم) به شهدای شاهد شهر: سید محمدعلی جهان آرا، سید عبدالرضا موسوی، رضا دشتی و مه‌آفرینی...» حاج علی موحّد که دست در دست بچه‌های شهر سرود فتح خرمشهر را خواند، هم خبر از پیروزی و اشاره به حماسه می‌دهد اما آن چیزی که در جهان خود فیلم می‌بینیم، فارغ از نمایش آن مقاومت و جانفشانی‌ها، بیشتر سوبه‌های غم و اندوه و ناکامی دارد. ظاهراً قرار بود رسول ملاقلی‌پور از زاویه دیگری هم به خرمشهر بپردازد و این بار فتح آن را برزنگ کند. دقیق مشخص نیست آیا آن فیلم، «عصر روز دهم» بود یا نه؟ هرچه بود با درگذشت ملاقلی‌پور، عصر روز دهم را مجتبی راعی با فیلم‌نامه‌ای دیگر ساخت که البته باز هم در آن نشانی از حماسه آزادسازی خرمشهر نیست، بلکه اشغال و سقوط این شهر است که سرنوشت خانواده‌ای را تغییر می‌دهد.



در سینمای داستانی، این رسول ملاقلی‌پور بود که با ساخت فیلم «بلمی به سوی ساحل» در سال ۶۴ (و در بحبوحه جنگ و درحالی‌که خرمشهر هنوز در معرض حملات دشمن قرار داشت) اولین چراغ را درباره خرمشهر روشن کرد و تلاش‌های رزمندگان را برای خروج از محاصره و اشغال و جلوگیری از سقوط به تصویر کشید. ملاقلی‌پور با تجربه حضور در روزهای محاصره خرمشهر به عنوان عکاس، قصه‌ای ملتهب و مهیج از تکاواران ایرانی را روایت می‌کند که دست به

نبردی نفسگیر و نابرابر با نیروهای بعثی عراق می‌زنند.

فیلم ملاقلی‌پور به دلیل ساخت در زمان جنگ، مولفه‌های قهرمانانه داشت و در ایجاد انگیزه در رزمندگان و تقویت مقاومت مردمی هم مؤثر عمل کرد. از این رو جنبه‌های اکشن و جنگی آن بر نشانه‌های آشنا و معنوی دیگر سینمای دفاع مقدس می‌چربید و با تکیه بر همین ویژگی باعث استقبال خوب تماشاگران در گیشه هم شد.

با این حال داستان بلمی به سوی ساحل در زمانی به پایان می‌رسد که خرمشهر هنوز در محاصره دشمن قرار دارد و حتی با توجه به روند قصه و

نگارخانه

نمایشگاه

«آب، هوا، خاک، آتش»

کتابخانه مرجع کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به بهانه روز جهانی محیط‌زیست، نمایشگاهی با عنوان «آب، هوا، خاک، آتش» برگزار می‌کند. در این نمایشگاه منتخبی از کتاب‌های فارسی و غیرفارسی با موضوع عناصر چهارگانه به نمایش گذاشته می‌شود.

فهرست برخی کتاب‌های حاضر در این نمایشگاه در بخش فارسی عبارت است از: «آب» نوشته بیل گاستن با ترجمه رضا روحانی، «آلودگی آب» اثر استیو یاکر با ترجمه مجید عمیق، «چرا زمین گرد است» نوشته ابراک آسیموف با ترجمه محمدابراهیم اقلیدی، «اگر زمین مثل سیب‌زمینی چروکیده شود» نوشته فرهاد حسن‌زاده و «چگونه آتشفشان تبدیل به جزیره می‌شود» نوشته لیندا تاگلیافر با ترجمه محمود امانی‌تهرانی.

علاقه‌مندان به بازدید از نمایشگاه آب، هوا، خاک، آتش که به بهانه ۱۵ خرداد، روز جهانی محیط‌زیست برپا شده است، می‌توانند تا پایان خرداد ۱۴۰۲ روزهای شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۸ تا ۱۷ به کتابخانه مرجع کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان خالد اسلامبولی، پلاک ۲۴، مجتمع فرهنگی هنری شهید ملک‌شامران کانون مراجعه کنند.



صحنه

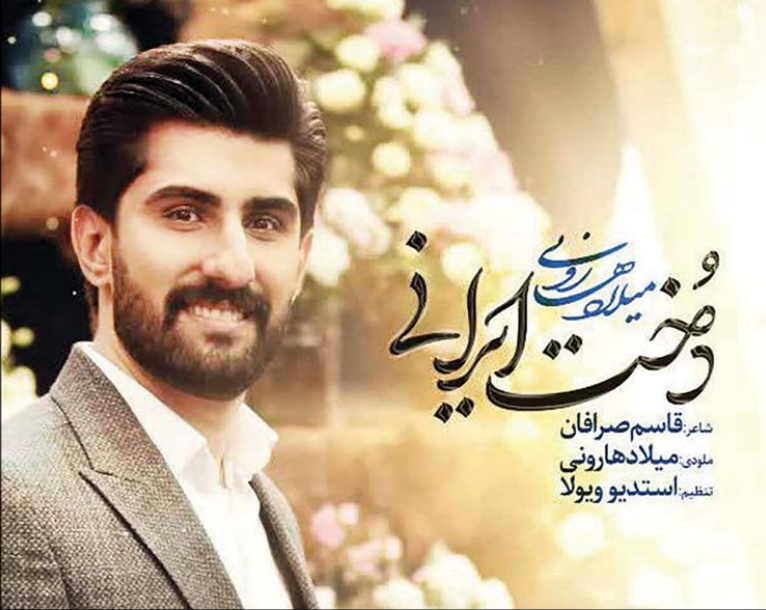
۲ نمایش تازه بر صحنه تئاتر تهران

دو نمایش «سپاو» به کارگردانی محمدامین سعدی و «برف شادی» به کارگردانی رضا حسین‌زاده در عمارت نوفل‌لوشاتوری صحنه می‌روند.

نمایش سپاو به نویسندگی و کارگردانی محمدامین سعدی و تهیه‌کنندگی علیرضا حسن‌پور و محمدامین سعدی از هفتم تا ۲۸ خرداد هر شب ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه به مدت ۶۵ دقیقه اجرا می‌شود. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: یک نویسنده مدتی است نمی‌تواند از یکی از شخصیت‌های کتابش فاصله بگیرد، کم‌کم این تصویر به ذهنش خطور می‌کند که تنها بازمانده بشر است و ... علیرضا حسن‌پور، آرزو حیدری، مهسا الهیاری، یاسمن افروند، نادیا آئین، نسیم کیانی در ساپو ایفای نقش می‌کنند. همچنین «برف شادی» به نویسندگی و کارگردانی رضا حسین‌زاده هشتم تا ۲۰ خرداد هر شب ساعت ۱۸ به مدت ۷۰ دقیقه اجرا می‌شود. مرجان خاکساری، یاشار باب، بهرام خطیبی، پوریا علی‌محمدی و سیما شکاری از بازیگران این نمایش هستند.



نوا



شاعر: قاسم صرافان
ملودی: میلاد هارونی
تنظیم: استدیو ویولا

